



مقایسه فقه حکومتی امام خمینی و فقه حکومتی اهل سنت

امام خمینی قدس سره مهم‌ترین و شاید اولین دست‌مایه‌های فقه سیاسی و حکومتی را در دنیای جدید ارائه کرده، و با احیای برخی از موضوعات مهم فقهی همچون «ولایت فقیه»، قدرت و توان مکتب انسان‌ساز اسلام را در راستای نجات جامعه اسلامی ایران و حتی سایر مسلمانان، به کار گرفتند.

امام خمینی قدس سره مهم‌ترین و شاید اولین دست‌مایه‌های فقه سیاسی و حکومتی را در دنیای جدید ارائه کرده، و با احیای برخی از موضوعات مهم فقهی همچون «ولایت فقیه»، قدرت و توان مکتب انسان‌ساز اسلام را در راستای نجات جامعه اسلامی ایران و حتی سایر مسلمانان، به کار گرفتند.

به گزارش شبکه اجتهاد، حجت الاسلام والمسلمین محسن فقیهی، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم در گفت و گویی ضمن بررسی تاریخچه فقه سیاسی و آراء فقهای شیعه و سنی، به تبیین جایگاه فقه حکومتی از منظر حضرت امام خمینی (ره) پرداخته است حاصل این گفتگو در ادامه می‌آید:

آراء علما و اندیشمندان اهل سنت در مورد فقه حکومتی چیست؟

غیر از فقهای شیعه قدمای اهل سنت، مثل امام‌الحرمین جوینی، ایچی، ماوردی، قاضی ابی‌یعلی، غزالی و... حاکمیت و الزام سیاسی را مشروط به مجتهدبودن حاکم دانسته‌اند.

در عصر حاضر نیز چهره‌های برجسته‌ای چون: شیخ محمد ابوزهره، استاد محمد مبارک و شیخ شلتوت، همان نظریه سلف خود را برگزیده و بر این حقیقت تأکید نموده‌اند که: حاکم و رئیس دولت اسلامی باید مجتهد باشد. نمونه‌هایی از نوآوری‌های فقه حکومتی حضرت امام (ره) را بیان فرمایید.

1- تعریف جدید از قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام»؛ نگاه نقادانه و بررسی دقیق به علوم و آرای علمای بزرگ از سوی امام خمینی رحمه‌الله علیه موجب شد، هر اثر علمی که از ایشان به یادگار مانده است، حاوی نوآوری‌های زیادی باشد؛ برای مثال، علمای بزرگ اسلام، حدیث: «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» را از قواعد فقهی دانسته و در این مورد آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند، ولی امام خمینی رحمه‌الله علیه در کتاب «بدایع الدرر فی قاعدة نفي الضرر»؛ این نظریه را رد نموده و این حدیث را حکم حکومتی پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله وسلم دانسته‌اند؛ بدایع الدرر فی قاعدة نفي الضرر، ص 105.

2- تقیه و فقدان نظریه سیاسی: موضوع تقیه از آغاز غیبت در نیمه قرن سوم هجری تا قرن دهم هجری از مباحث مطرح بود؛ به طوری که فقه امامیه در مجموع، در فضای خوف و تقیه، به‌سان بذریه‌هایی نهان در درون زمین باقی مانده و فرارسیدن فضای مناسب را برای ظهور، انتظار می‌کشید و با این‌که بذریه‌های ولایت‌فقیه در فقه امامیه، در همان زمان موجود بود، ولی فقیه شیعی، در سایه حاکمیت تقیه، ورود در این بحث و متحول‌ساختن و رشد این نظریه را غیرضروری می‌دانست و احکام خراج، ذمه، جهاد و نماز جمعه را هم تنها از زاویه تقیه مورد بحث قرار می‌داد.

فشار و خفقان از سوی حکام ستمگر و ظالم نسبت به علمای شیعه در این مقطع از تاریخ اسلام به حدی بود که سیدبن طاووس قدس سره، از علمای امامیه در قرن هفتم، وقتی دید حکومت مغول‌ها، نسبت به ایشان علاقه و اقبالی نشان می‌دهد، این رویکرد را یک عنایت الهی و مصداق اخبار غیبی دانست که امام صادق علیه‌السلام در مورد علایم ظهور و حوادث آخرالزمان به برخی از اصحابشان بیان کرده بودند. وی از این فرصت در جهت ترویج مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بهره‌های فراوانی برد، هرچند در مورد حکومت فقیه و عالم شیعی، قادر به اظهار نظر نبود.

هم‌چنین علامه حلی رحمه‌الله علیه، هنگامی که با منطق استوار و دلایل روشن خود، زمینه‌گرایش سلطان محمد خدابنده، پادشاه مغول به مذهب تشیع را فراهم آورد و او رسماً شیعه شد، از این فرصت در جهت گسترش مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بهره‌های فراوانی برد، ولی او نیز طرح نظریه ولایت و حکومت فقیه را صلاح نمی‌دانست.

اما امام خمینی رحمه‌الله علیه برخلاف نظر فقهای گذشته، در «رساله تقیه»؛ بحث تقیه را با توجه به ذات تقیه و اضافات بر آن، تقسیم می‌کنند. ایشان در تقسیم دوم، تقیه را به تقیه خوفی و تقیه مداراتی، و در تقسیم سوم، تقیه را به تقیه‌کننده، تقیه‌شونده و مورد تقیه تقسیم کرده‌اند؛ الرسائل، 174/2 - 175 و 195 - 197. با نگاه به این تقسیم فرمودند: «لاضرر و لااضرار فی الاسلام»؛ اگر مورد تقیه،

اسلام باشد و اسلام به خطر بیفتد، آن تقیه حرام است؛ و در حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه، خطاب به علمای اسلام فرمودند: 171#& حضرات آقایان توجه دارند که اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است؛ با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است و لو بلغ ما بلغ؛ صحیفه امام، 178/1.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: تقیه در فروع است، در اصول نیست. تقیه برای حفظ دین است؛ جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سکوت نیست؛ صحیفه امام، 8/11.

مبنای حضرت امام (ره) در فقه حکومتی چه تفاوتی با مبانی دیگر فقها دارد؟

بحث ولایت فقیه، مدت‌ها قبل در محفل درسی علمای اسلام و کتاب‌های آن‌ها وجود داشت، اما تفاوت عمده‌ای بین دیدگاه علمای گذشته و امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در همین بحث دیده می‌شود، زیرا علمای گذشته بحث ولایت فقیه را فقط در چند فصل از کتاب‌های فقهی، در مسایلی چون محجورین، منصب قضا، اجتهاد و تقلید، ارث و اموال بدون وارث و...، محصور کرده بودند، و در مجموع، علمای گذشته، بحث ولایت فقیه را در علم فقه و به طور پراکنده و در حد تکلیف مکلفین، محصور کرده بودند، اما امام خمینی رحمه‌الله‌علیه مسئله ولایت فقیه را از دایره فقه بیرون کشیده و وارد علم کلام نمودند.